



پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ اعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا. نَشِئْتَنِي مَرْد، سِرِ سَفَرِهِ وَ كِنَارِ زَن وَ فرزندانش، بهتر است از آن که در مسجد من، معتکف شود». ما عبادت را، فقط نماز، روزه، حج، کربلا و امثال اینها می دانیم. یکی از عبادات، نشستن کنار زن و فرزندان است. در قدیم، می گفتیم: چرا اینقدر سرِ کار هستی؟! اندکی کنار زن و فرزندان باش. اما حالا، مردها، با اینکه در خانسان هستند باز هم با خانواده نیستند. چه اجباری است که وقتی در خانه هستیم، موبایل هایمان روشن باشد؟ چه اجباری است که وقتی از در وارد می شویم، سراغ کامپیوترمان برویم؟ یا تلویزیون را روشن کنیم؟ این بچه ها را چه کسی، باید تربیت کند؟ چه وقت باید به همسر، توجه شود؟ هیات خوب است، اما اگر بچه ها در خانه، ارضاء عاطفی نشوند، در خیابان ها کار دستِ من و شما می دهند.

### داستانک

خداوند، شهید بهشتی را رحمت کند. می گویند: ایشان، روزِ جمعه، به هیچ عنوان، جلسه ای را قبول نمی کردند، مگر اینکه، امام رحمه الله علیه، دستور می دادند. جمعه مخصوص خانواده است. انسان، شب که به خانه می رود، چند دقیقه ای را کنار خانواده اش بنشیند..

پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند: هر زنی که همسرش را با یک جرعه آب (یک لیوان آب)، سیراب کند، ثوابِ عبادتِ یک سال روزه و نماز و یک سال، شب زنده داری، برایش نوشته می شود و برای هر جرعه آبی که به شوهرش داده است، خداوند، شهری در بهشت برای او بنا می کند و ۶۰ گناه را از او بیامزد. بعضی از خانم ها، کارِ خانه را ننگ می دانند و به شوهرشان می گویند: خوب است، تو حرم، هیات و روضه ات به راه است، اما ما، باید در خانه بنشینیم و آشپزی کنیم. ما روایتِ آب به دستِ همسر دادن را گفتیم، که خیلی زحمت ندارد، حالا اگر زن، خدمتی را که زحمت دارد، انجام دهد چه قدر ثواب می برد؟! از آن طرف اگر هر مردی به همسرش یک لیوان، آب بدهد نیز اجر می برد. پس زن و مرد از اینکه به یکدیگر خدمت کنند، اجر می برند.

### غذا در دهان یکدیگر کردن

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند: إِنَّ الرَّجُلَ لَيُؤْجَرُ فِي رَفْعِ اللَّقْمَةِ إِلَى فِي امْرَأَتِهِ. مرد قطعاً اجر می برد، اگر لقمه را بردارد و در دهانِ همسرش بگذارد. روایت می خواهد بگوید که انسان هر چیزی را که نسبت به همسرش، محبت ایجاد می کند، انجام دهد.

## زندگی غربی

سبکِ زندگیِ غربی، ما را قانع نمی کند. در دومین نامه که مقام معظم رهبری به جوانانِ غرب فرستادند، اشاره فرمودند که غرب، جایگزینی برای سبکِ زندگی ندارد. یعنی؛ سبکِ زندگیِ اسلامی را برمی دارد و می خواهد غربی را بگذارد، اما سبکِ زندگیِ غربی، جایگزین نمی شود. شما صبحانه خوردنِ یک خانواده را نگاه کنید. پدرِ خانه اگر اداری باشد، ساعتِ ۶:۳۰ از خواب بیدار شده و با صبحانه یا بی صبحانه، به سرِ کار می رود. ساعتِ ۷:۰۰ فرزندِ دبیرستانی، بیدار شده و می رود. ساعتِ ۷:۳۰، بچه ی دبستانی، صبحانه اش را می خورد و می رود. ساعتِ ۷:۴۵، فرزندِ دانشجو، بیدار شده و ساعتِ ۹:۰۰ نیز، مادر از خواب بیدار می شود. این چه صمیمیتی است؟! قدیم، ساعتِ ۶ همه ی خانواده، بیدار می شدیم و در صفِ شیرهای شیشه ای، می ایستادیم. چند شیر گرفته، یکی را می خوردیم، یکی را ماست می کردیم و دیگری را پنیر. قبلاً همه زود، بیدار می شدند و با هم بودند اما الان اینگونه نیست. برایِ ناهار هم همینطور است و کنار هم بودن، معنا پیدا نمی کند. قبل از خواب، بنا داشته باشیم که همه ی خانواده، کنار هم جمع شویم و سوره ی واقعه را بخوانیم.

### داستانک

روایت است که اگر شب ها قبل از خواب، سوره ی واقعه خوانده شود، فقر داخلِ آن خانه نمی شود. عبد الله بن مسعود، یکی از یارانِ پیامبر صلی الله علیه و آله، در بسترِ مرگ، قرار گرفته بود. خلیفه سوم، به دیدنش آمد و گفت: پولی نیاز نداری تا به تو بدهم؟ بعد تو، دختر هایت یتیم می شوند. گفت: نه، آن روز که باید به من پول می دادی، که مرا محروم کردی. دختر هایم به پولِ تو نیاز ندارند زیرا من از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم؛ هر کس قبل از خواب سوره ی واقعه را بخواند، فقیر نخواهد شد.

**انتخاب غذا**

پیامبر مکرم اسلام صل الله علیه و آله ، می فرمایند: «الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةٍ أَهْلِهِ، الْمَنَاقِقُ يَأْكُلُ أَهْلُهُ بِشَهْوَةٍ؛ مومن، به گونه ای غذا می خورد که خانواده اش، دوست دارند اما خانواده ی منافق طوری غذا می خورند که او دوست دارد». می بینید، خیلی از اوقات، مردها، چیزی را که دوست ندارند، برای خانه نمی خرند. این، صفتِ منافق است. از آن طرف، خانم، ممکن است غذایی را دوست نداشته باشد، اما شوهرش دوست دارد. اگر مومن است باید آن غذا را درست کند. در خاطراتِ شهدا داریم که مثلاً شهید، فلان غذا را دوست نداشت، اما همسرش درست می کرد و یا حتی گاهی غذا را بد درست می کرد، اما باز هم می خورد.

**بدرقه کردن همسر**

این مورد، برای خانم ها خیلی مهم است. شخصی نزد پیامبر می رود و می گوید: من همسری دارم که وقتی به منزل می روم، به پیشوازم می آید و وقتی بیرون می روم، بدرقه ام می کند. هرگاه مرا، غمگین ببیند، می پرسد، چه چیزی تو را غمگین کرده است؟ اگر برای روزی است که آن برعهده ی تو نیست( خداوند، بر عهده گرفته است) و اگر در موردِ امورِ آخرتی است، خداوند بر اندوهت بیافزاید. پیامبر صل الله علیه و آله می فرمایند: برای خداوند، کار گزارانی است و این زن، یکی از آن ها ست و او، نصفِ اجرِ

شهید را دارد. وقتی یک مرد، واردِ خانه می شود، خانم به استقبالش بیاید و هر چه آقا تهیه کرده است را بگیرد، نه اینکه در آشپزخانه، مشغولِ پخت غذا باشد و مرد هم در حالی که پُشتش به اوست، سلام دهد و به اتاق برود.

**فوشبینی**

چون مردم، حوادثِ روزنامه را می خوانند به همه چیز، بدبین می شوند. انسان باید، مثلِ زنبورِ عسل باشد نه مثلِ مگس. زنبورِ عسل، روی گلها می شیند اما مگس، روی کثیفی ها و زخم ها می نشیند. همسرِ ما این همه خوبی دارد و یک بدی. اما ما، همان یک بدی را بگیریم و ... بعضی ها همیشه نصفه ی خالی لیوان را می بینند. همسرمان، یک جمله گفت، آن را به بدترین صورت برداشت نکنیم. دو نفر دوست، در حالِ راه رفتن بودند. یکی نگاه کرد و گفت: عجب، زمانی که این ساختمان های بیست طبقه را پخش می کردند، ما کجا بودیم؟ دوستش، ان طرفِ خیابان که بیمارستان بود را نگاه کرد و گفت: موقعی که این مریی ها را پخش می کردند، کجا بودیم؟

**عفو و گذشت**

خداوند در قرآن می فرمایند: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور/۲۲). باید ببخشید و باید عفو کنید، نمی خواهید که خداوند، شما را ببخشد. اگر ما می خواهیم که خداوند، ما را ببخشد، ما هم دیگران را ببخشیم. (ارْحَم، تُرْحَم)، رحم کن، تا به تو رحم کند. در زندگی ممکن است، خانم، اشتباهی بکند اما دیگر تمام می شود. برادرانِ

حضرتِ یوسف علی نبینا و آله و علیه السلام، با آنکه جنایت را انجام داده بودند، وقتی نزدِ ایشان آمدند، گفتند: برادر، ما را ببخش. حضرت پاسخ داد: «قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (یوسف/۹۲). امروز، هیچ ملامتی بر شما نیست، همه تان را با هم بخشیدم. امام سجاد علیه السلام موقعِ عیدِ فطر که می شد، همهی غلامان را جمع می کردند و اشتباهاتی را که کرده بودند، یکی یکی می گفتند. بعد می فرمودند: من همه تان را بخشیدم، شما هم دعا کنید که خداوند مرا ببخشد. قطعاً خطایی که مانسبتِ به خداوند، انجام داده ایم، خیلی بیشتر از خطایی است که مردم نسبت به ما انجام داده اند. پس همدیگر را ببخشیم و جریان را ادامه ندهیم.

**داستانک** در حرمِ امام رضا علیه السلام، شبستانی به نام شبستانِ نهانودی است(در مسجدِ گوهر شاد). آیت الله نهانودی، آنجا نماز می خواندند. روزی، به ایشان می گویند آقا، آیت الله بروجردی پشتی سرتان است. ایشان بر می گردد و می گوید: آقا، سجاده در اختیارِ شما، تا زمانی که شما هستید، شما امامِ جماعت بایستید. مدتها از این جریان می گذرد و آیت الله نهانودی، به کربلا مشرف می شوند. یک نفر به امامِ جماعتِ حرمِ امام حسین علیه السلام می گوید: آقا، آیت الله نهانودی پشتِ سرتان است. آن شخص بر می گردد و می گوید: آقا، سجاده در اختیارِ شما، تا شما هستید، شما امامِ جماعت بایستید. ایشان می فرمایند: در محراب که رفتم، در گوشم، صدایی پیچید که جا دادی، جا دادیم.